

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۱-۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1966237.2578](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1966237.2578)

توصیف حرم و خادمان امام هشتم (ع) در مدایح رضوی دوره صفوی

دکتر فاطمه تسلیم جهرمی^۱

چکیده

اشعار فارسی در کنار تأثیرگذاری ادبی و ابلاغ پیام، از بعد فرهنگی و جامعه‌شناسی نیز حائز اهمیتند. با توجه به رسمی شدن مذهب شیعه از دوره صفویه، این حکومت از وجود بارگاه رضوی در ایران برای گسترش سیاست‌های مذهبی خود نیز بهره برد و شعرا را به سرودن مدایح مذهبی تشویق کرد. شعرای این دوره در ضمن مدح امام هشتم (ع)، اوضاع اجتماعی و بناها و رسوم زمانه را نیز بازتاب داده‌اند که از نظر تاریخ تطّور شیعه در ادبیات فارسی حائز اهمیت است. در مدایح رضوی در دوره صفوی به برخی کیفیات حرم امام هشتم (ع) چون: کاشی‌کاری، عطرافشانی، روشنایی حرم، انواع خدمت‌های حرم رضوی و... اشاره شده که منطبق با مستندات تاریخی است. در این میان بیشترین مضمون مدایح رضوی درباره روشنایی و خوشبویی حرم مطهر است که با توجه به نیت واقفان و تعداد وقف‌نامه‌های رضوی برای تخصیص این دو امر در قرن‌های دهم تا دوازدهم، به‌طور کامل مطابقت دارد. کیفیت زیارت و توصیف زائران و حرم رضوی در این دوران بیش از همه در مدایح رضوی صائب تبریزی و اشرف مازندرانی بازتاب یافته است. با وجود این اشارات، شعرای این دوره در سرودن این اشعار بیشتر به کلیات همراه با تخیل و تصویرسازی توجه داشته‌اند و توصیفات جزئی درباره حرم رضوی کمتر در اشعار ایشان آمده است.

واژگان کلیدی: شعر آیینی، حرم رضوی، مدایح رضوی، صفویه.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران.

مقدمه

اماکن مذهبی هر یک متناسب با خاستگاه معرفتی خود، ترویج‌دهنده گفتمان متفاوتی از باورهای دینی هستند. در دوره صفویه به دلیل کشاکش حکومت شیعی در ایران و همسایگان سنی چون عثمانی و ازبکان، اعتقادات و اماکن مذهبی، نقش مؤثری را در هدایت خیزش‌های فکری و سیاسی در جامعه ایفا کردند. وجود حرم امام هشتم شیعیان در ایران نیز نقش مهمی در سیاست مذهبی صفویه یافت. در شعر رضوی عهد صفویه، شاعران اغلب به بزرگی و عظمت امام رضا (ع) توجه می‌کنند و تقریباً اشعاری در تهنیت ولادت یا سوگ آن حضرت نمی‌بینیم. شاعر، امام رضا (ع) را فرمانروی افلاکیان می‌داند و جبرئیل را به عنوان دربان حرم آن حضرت معرفی می‌کند. در باور شاعر این دوره، عظمت آسمان، زمین و کائنات در برابر گنبد و حرم، ایوان و به طور کلی ساحت آن حضرت ناچیزند. به طور کلی یکی از ویژگی‌های اصلی شعر رضوی، نگاه عارفانه و فرامادی به صحن و بارگاه امام رضا (ع) است.

در کنار ذکر سیره و فضایل امام هشتم (ع)، پاره‌ای از رسوم اجتماعی، آداب زیارت و کیفیت حرم مطهر نیز در اشعار دوره صفوی یاد شده که بیشتر این توصیفات در مدایح رضوی آمده است. در غالب این مدایح، بارگاه و ایوان، صحن و سرا، گلدسته، ضریح، محجر، گنبد حرم و زوآر توصیف شده‌اند. از این رو بررسی و بازتاب کیفیت حرم مطهر رضوی در مدایح رضوی دوره صفوی اهمیت دارد و این مدایح را از نظر جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و درک جایگاه حرم در بین ادبا و شعر فارسی حائز اهمیت می‌کند.

اهمیت این موضوع علاوه بر آشنایی با تاریخچه آستان قدس رضوی در دوره صفوی و جایگاه و میزان توجه به این مکان، نقش شعر و این بقعه متبرک را در گسترش تشیع در این دوره نشان می‌دهد.

باتوجه به اینکه در اشعار فارسی قبل از صفوی، توصیف حرم رضوی بسیار کم‌رنگ است یا دیده نمی‌شود، این پژوهش به دنبال آن است تا مشخص کند این آستان قدس رضوی در شعر دوره صفوی چه جایگاهی دارد و شاعران این دوره به چه جنبه‌هایی از حرم امام هشتم (ع) توجه کرده و آن را توصیف کرده‌اند؟ آیا این توصیفات از بارگاه رضوی با واقعیت حرم در آن دوران نیز قابل تطبیق است؟

پیشینه تحقیق

درباره ویژگی‌های حرم امام هشتم در شعر کهن فارسی تحقیق مستقلی یافت نشد، اما پیشینه

تحقیق درباره سایر موضوعات مرتبط با مداخل رضوی در شعر فارسی و عربی، گسترده است و نویسندگان بسیاری در دوره‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. همچنین به تحقیقاتی می‌توان اشاره کرد که به برخی از جنبه‌های تحقیق حاضر اشاراتی داشته‌اند یا از منظری دیگر بدین موضوع نگاه کرده‌اند. مقالاتی چون: «جایگاه حرم مطهر رضوی در سیاست مذهبی صفویان» (۱۳۹۸) از مطهری و نجفی‌نژاد و «جایگاه بارگاه رضوی در منازعات سیاسی مذهبی میان صفویان و ازبکان در عصر اول حکومت صفوی» (۱۳۹۹) از دریکوندی و خاکرند نیز به بررسی وضعیت حرم رضوی در دوره صفوی از منظر تاریخی و سیاسی پرداخته‌اند. کتاب‌های حرم رضوی به روایت تاریخ (۱۳۹۴) تألیف عالم‌زاده و آئین‌های حرم مطهر رضوی (۱۳۹۶) نوشته اخوان مهدوی و نقدی نیز به اختصار به مرور تاریخچه و رسوم حرم رضوی پرداخته‌اند. درباره باورهای شیعی در اشعار برخی شاعران دوره صفوی نیز به مقاله «بررسی آیین‌های مذهبی شیعه و عوامل مؤثر بر گسترش آن در عصر صفویه با تکیه بر شعر صائب تبریزی» (۱۴۰۱) از آسرای و دیگران می‌توان یاد کرد.

روش تحقیق

این پژوهش وصف حرم رضوی و خادمان آن را در مداخل رضوی جمع‌آوری و پس از یادداشت‌برداری و دسته‌بندی، به صورت توصیفی-تحلیلی، بررسی کرده است. به دلیل تعدد شاعران و حجم اشعار به جامانده از دو قرن دهم تا دوازدهم، جامعه آماری این تحقیق، مداخل رضوی ۲۱ شاعر برجسته این عهد با بیش از ۲۰ هزار و ۲۵ بیت در قالب‌هایی چون قصیده، ترکیب‌بند، رباعی و غزل است.

در این پژوهش برای اطلاع از آداب زیارت امام رضا (ع) در دوره صفویه و اطلاع از وضعیت حرم، از منابع دینی، تذکره‌ها، کتب تاریخی، وقف‌نامه‌ها و سفرنامه‌هایی که در دوره صفوی تألیف شده‌اند، نیز استفاده شده است.

مبانی تحقیق

به نظر امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، عقاید و مناسک دینی به عنوان دوجنبه از تجلیات اجتماعی در خدمت نیازهای جامعه‌اند. آنچه از آرای وی دریافت می‌شود توجه جدی به وجه کارکردی دین است. به عقیده او، نقش، وظیفه و کارکرد اساسی دین، ایجاد، حفظ و تقویت همبستگی اجتماعی و تنظیم روابط زندگی اجتماعی است (ر.ک: دورکیم، ۱۳۷۳/۱۳۵۹: ۷۸). مسجد، حرم امامان معصوم و امامزادگان از نهادهای معرفت دینی و یک تعین اجتماعی

محسوب می‌شوند. قدرت سیاسی بر فرهنگ و نهادهای فرهنگی مانند مسجد و به‌خصوص حرم امامزاده‌ها به شدت تأثیرگذار است، هرچند عوامل دیگری مانند: رفاه مادی، عدالت اجتماعی، دین و مذهب، وضعیت اجتماعی و ... نیز در رشد جوامع یا رکود آنها نقش دارند. دولت‌ها به دنبال تبلیغ اهداف ایدئولوژی رسمی و ضرورت دستیابی به مقاصد سیاسی و بنا به کارکردهای جدید خود، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی را نیز بر عهده می‌گیرند و نقش و مسئولیتی آگاهانه می‌پذیرند و در مجموع تأثیری چشمگیر ایجاد می‌کنند (رک: همایون و فروزان، ۱۳۸۸: ۶۴).

از این روست که دامنه شعر منقبتی در قرن هشتم و نهم به اندازه‌ای است که دلایل توفیق صفویان را در نشر تشیع در ایران به آسانی می‌توان درک کرد. «پس از ظهور تدریجی مناقبیان در عرصه مدیحه‌سرایی «آل الله» یا اهل بیت در ایران و رویارویی تمام عیار با فضایلین، شعرای شیعی و فارسی زبان مجال یافتند که بدون هراس از شکنجه و زندان و تبعید به آفرینش آثاری در مناقب خاندان رسول همت گمارند و عملاً تغذیه شعری و فکری مناقبیان را بر عهده گیرند» (مجاهدی، ۱۳۸۰: ۴۶). از آنجا که دولت شیعی صفوی دسترسی دائمی و مستقیمی به مراقد مطهر ائمه شیعه در عتبات عالیات نداشت، نهایت تلاش خود را برای عمران حرم رضوی با توجه به موقعیت ویژه آن که در مسیر کشورهای متخاصمی چون ازبکان و گورکانیان هند بود، انجام داد. در غرب ایران نیز دولت متخاصم سنی مذهب عثمانی بود که میزبان حجاج از سراسر دنیای اسلام بود. گزارش‌های تاریخی متعدد، حکایت از توجه زیاد پادشاهان صفوی به بارگاه مطهر امام رضا (ع) دارد و توجه به وقف‌نامه‌های مهم حرم رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم، سه خط اصلی سیاست مذهبی صفویان را درباره این آستان، یعنی؛ شکوهمندی آستان مقدس حضرت رضا (ع)، ایجاد امکانات رفاهی برای زائران برای جذب بیشتر آنان و تأمین معاش کارکنان آستان قدس را به خوبی نشان می‌دهد (رک: خانی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۹۷).

با تشکیل دولت صفوی و سیاست مذهبی آنها، حرم رضوی از اواخر قرن دهم تا دوازدهم به سرعت توسعه یافت و زائران بسیاری از اقصا نقاط برای زیارت این مکان وارد مشهد می‌شدند. «شاهان صفوی نیز برای ترویج حقانیت تشیع با پای پیاده به مشهد می‌رفتند، به مدت طولانی در آن معتکف می‌شدند، در حوائج و مهمات از درگاه امام هشتم یاری می‌خواستند و البته در تجهیز و مرمت بارگاه رضوی اهتمامی تمام داشتند» (مطهری و نجفی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۹). به روایت مورخان در دوره صفویه، بارگاه مطهر امام رضا (ع) به اندازه‌ای توسعه یافت که با ادوار

قبل نمی‌توان مقایسه کرد. در واقع هدف اصلی صفویان تبدیل بقاع متبرکه به مراکز اشاعه فرهنگ تشیع بود و به این منظور لازم بود ابتدا فضای این بقاع بازسازی شود و امکانات آن‌ها توسعه یابد تا شکوهمندی کافی ایجاد شود و برای جذب زائران بیشتر و اجرای برنامه‌های مذهبی فرهنگی مکان مناسبی شوند. برای دستیابی به این منظور صفویان اقدام گسترده‌ای انجام دادند. مثلاً شاه‌تھماسب علاوه بر اهدای نخستین ضریح، به بازسازی و تذهیب گنبد و طلاکاری گلدسته کنار گنبد فرمان داد (رک: عالم‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۱). در حدود ۱۹ رواق حرم مطهر در دوره صفوی ساخته یا مرمت شد، در عهد شاه عباس صفوی نیز، صحن عباسی بنا شد. وی ضمن بازسازی مدارس حرم، رواق دارالسیاده را به‌سازی و گنبد حرم را مجدداً طلاکاری کرد (رک: همان: ۸۱-۸۲). در سال ۱۰۸۴ق و در زمان شاه سلیمان، در پی زمین‌لرزه‌ای، شماری از خشت‌های طلایی حرم کنده شد. پس از این واقعه و به فرمان این شاه، گنبد بازسازی و کتیبه‌ای بر آن افزوده شد که این رخداد در آن یاد شده است (رک: همان: ۳۴). علاوه بر اقدامات دولت صفوی، نذر و نیازهای مردم به آستان قدس رضوی نیز در این دوران افزایش یافت. به غیر از متون تاریخی، توجه به وقفنامه‌های دو قرن دهم تا دوازدهم که به نیات شکوهمندی حرم بوده‌اند، نیز این موضوع را تأیید می‌کند. مثلاً محل خرچکرد و وقفنامه بزرگ خواجه علاءالدین حاجی خوافی در سال ۹۳۳ق، روشنایی و تأمین فرش حرم، ایجاد امکانات رفاهی و شکوه حرم امام هشتم (ع) بود (رک: مولوی، ۱۳۵۳: ج ۴: ۳۳۵). در نتیجه این اقدامات، حرم مطهر رضوی در قیاس با سایر ابنیه بسیار باشکوه و با عظمت جلوه می‌کرد و زوآر را تحت تأثیر خود قرار می‌داد.

از این روست که توصیف عظمت بارگاه و حرم رضوی در شعر دوره صفوی به کرات در مدایح رضوی این دوره دیده می‌شود و اغلب با ذکر فضایل زیارت امام رضا (ع) همراه است. یکی از اشعار جالب در این زمینه در دیوان اشعار صائب به چشم می‌خورد که طی آن شاعر ضمن توصیف حرم، از فضایل زیارت امام رضا (ع) سخن می‌گوید و بیان می‌کند که صحن حرم امام رضا (ع) محل رفت‌وآمد و آرامش عرشیان است، حریم امام امن و با صفای صبح است به طوری که شب‌زنده‌داران آن را با طلوع صبح اشتباه می‌گیرند، قندیل‌های حرم، حباب‌هایی برآمده از دریای رحمت الهی‌اند، از فروغ حرم امام، چشم کور بینا می‌شود و توصیفات از زائران حرم رضوی مثل این که: امیدواران به زیارت امام رضا (ع) می‌آیند، هر کس جنب امام رضا (ع) اقامت کند دیگر غریب به حساب نمی‌آید، زیارت امام رضا (ع) برابر با

ثواب هفتاد حج است، هر کس شمعی را با خود به حرم رضوی برد، از تاریکی قبر در امان است، هر کس با اخلاص به زیارت رود، روز حشر مانند زر خالص از گور برخیزد، هر کس زائر امام باشد خود می‌تواند ضامن و شفیع عالم در روز قیامت باشد، هر کس تابوتش را به دور حرم مطهر طواف دهند، روز قیامت با اسب چوبین از دوزخ عبور می‌کند و... (رک: صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۷-۱۳۷۰).

بحث

روشنایی حرم رضوی

روشنایی در آستان مقدس امام هشتم (ع) علاوه بر رفع نیاز، از اعتقادات شیعیان سرچشمه گرفته و آداب آن، امری پرفیض محسوب می‌شد. همین امر باعث شد تا روشنایی از مهمترین موقوفات حرم باشد و نمونه‌های شاخصی از اشیاء، روشنایی‌بخش مثل: شمع، چراغ، لاله، شمعدان، چراغدان، قندیل و... وقف آستانه امام رضا (ع) شوند. رفاه دوره صفوی و رقابت شاهان این دوره با همتایان عثمانی خود دستاویزی برای افزودن به شکوه و عظمت بقاع متبرکه شیعیان بود. انگلبرت کمپفر، پزشک و طبیعی‌دان اهل آلمان که در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمده بود، درباره روشنایی بقاع متبرکه و امامزادگان در عصر صفوی می‌نویسد: «در زیر گنبد سقف، یک یا چند دریچه در دیوار تعبیه کرده‌اند که گاهی شیشه بر آن انداخته‌اند، ولی اغلب پنجره‌های از چوب بر آن گذاشته‌اند که از آن محل هم روشنایی خورشید به داخل بیاید و هم دود چراغ‌های روغنی که دائم در حال سوختن است، مفری پیدا کند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۵).

روشنایی دائمی و آویزان بودن قندیل و چلچراغ در صحن یکی از کیفیات بارگاه رضوی است و بسیاری از این قندیل و چراغدان‌ها از جنس طلا و نقره بود. از این کیفیت به فراوانی در شعر دوره صفوی سخن رفته است، به گونه‌ای که هیچ شعر رضوی را در این دوره خالی از اشاره به روشنایی حرم نمی‌توان یافت:

قلزم رحمت حبابی چند بیرون داده است نیست قندیل اینکه می‌بینی به سقفش بی‌شمار
(صائب تبریزی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۹)

با توجه به بسامد فراوان اشعار با موضوع روشنایی و آویزان بودن قندیل و چلچراغ و روشن بودن شمع، به دلیل تداعی موارد معنوی چون تقدس و نور ایمان، مهمترین ویژگی ظاهری ذکر شده در مدایح رضوی این دوره و امری بوده که توجه بیشتر شاعران این دوره را به

خود جلب کرده است (ر.ک: صائب تبریزی، ۱۳۸۹: ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹؛ صیدی، ۱۳۶۴: ۳۸؛ نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۳۸؛ طالب آملی، ۱۳۴۶: ۱۶۰).

۷

وہ چه گویم از صفای روضه پر نور او کز فروغش کور روشن می شود بی اختیار
گوشوار خود به رشوت می دهد عرش برین تا مگر یابد در تو یک لحظه چون قندیل بار
روضه پر نور او را زینتی در کار نیست پنجه خورشید مستغنی است از نقش و نگار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۹)

در باور عامه، افروختن شمع، امری مقدس محسوب می شده و پیشکش، نذر و وقف شمع و دیگر وسایل روشنایی به حرم امری رایج بوده است. قدیمی ترین سند مربوط به مصرف شمع های مومی برای روشنایی حرم متعلق به ۱۰۱۵ ق است (ر.ک: اخوان مهدوی، ۱۳۹۶، ۱۳۶-۱۳۵). کمپفر نیز درباره روشنایی مقابر و امامزادگان در دوره صفوی می نویسد: «در امامزاده همواره چراغ هایی می سوزد که اغلب آن ها را از نقره ساخته و چنان با هنرمندی آن ها را مشبک کردند که پرتو آن ها مانند شبکه ای بر روی زمین و دیوار می افتد. این چراغ ها راه ورود و همچنین فضای قبل از مدفن را روشن می کند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۵).

هر شمع روضه تو که حوری است در بهشت دارد ز نور خویش به رو از حیا نقاب
(صیدی تهرانی، ۱۳۶۴: ۳۵)

از این روست که در اشعار این دوره از این سخن به میان می آید که نورپردازی حرم مطهر طعنه به خورشید و ماه و کواکب آسمان می زند:

شعاع نور قنادیل او به هم شکند طلعه های کواکب سپهر اعلی را
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۳۸)

در وقف نامه های آستان قدس، نیز روشنایی مهمترین نیت واقفان است و حتی وقف هایی برای شمع خانه نیز دیده می شود (ر.ک: طلایی، ۱۳۹۷: ۱۴۴-۱۳۷). شمع کسی بود که شغل وی، شمع ریز، شمع سازی بود و شمع خانه به محل ساخت شمع گفته می شد.

نظافت و عطرافشانی حرم رضوی

به کاربردن عطر، گلاب، مشک، عنبر، عود، اسپند و کندر و... برای معطر کردن اماکن متبرکه از دیرباز متداول بوده است. عطرافشانی در حرم منور و اماکن و بقاع متبرکه را تعطیر حرم مطهر می گویند. این آیین با استفاده از مواد معطر، از گذشته در آستان امام هشتم (ع) انجام می شده است. در طومار واقفان آستان قدس رضوی، نام ۱۲ واقف با ۲۲ رقبه وقفی به چشم می خورد

که نظافت و عطرافشانی حرم مطهر امام رضا (ع) را از ضروری‌ترین نیازهای مجموعه حرم مطهر عنوان کرده‌اند. با مطالعه وقف‌نامه‌های این دوره مشخص است در کنار روشنایی حرم، بیشترین وقف با نیت پاکیزگی و خوش‌بویی حرم ثامن الحجج (ع) بوده است. واقفان آستان قدس رضوی به اندازه‌ای به غبارروبی و عطرافشانی حرم مطهر توجه کرده‌اند که حتی به پرداخت دستمزد فرآش، ذره‌ای غبار یا گل‌ولای دامن زائران حضرت رضا (ع) نیز اشاره داشته‌اند. عطرافشانی حرم شامل عطرها، مایع یا عطرها طبیعی بود که بیشتر آن‌ها از گل‌های طبیعی به دست می‌آمد؛ یا بخور بود که شامل بخور طبیعی خالص یا سوزاندن گیاهان و چوب‌های معطر با قابلیت عطری در فضا بود. عطرافشانی علاوه بر ضریح مطهر شامل سنگفرش حرم، فرش و دیوارها نیز می‌شد.

استفاده از انواع عطرها، گران‌قیمت، شکوه حرم رضوی را نیز نشان می‌داد و علاوه بر رفع بوی نامطبوع ناشی از عبور و مرورهای متعدد، بر معنویت فضای حرم می‌افزود. در عهد صفوی از موادی چون: گلاب، عود و کندر یا شمع‌های معطر کافوری برای خوشبویی شبستان و حرم امام رضا (ع) استفاده می‌شد که در شعر این دوره نیز از آن‌ها یاد شده است. مثلاً روشن کردن شمع‌های کافوری که در شعر صائب نیز آمده است:

ندارد احتیاجی روضه‌ات با شمع کافوری کند سرینجه لاحت ز شب تا روز بیضایی
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۷۲)

شمع کافوری، شمعی بوده که کافور را به آن می‌افزودند و در هنگام سوختن شمع، بوی مطبوعی در فضا پخش می‌شده است. کافور ماده‌ای سفید، خوشبو و گران‌بها بوده و شمع کافوری جزء کالاهای تجملی و گران‌بها به شمار می‌آمده است. در شعر طالب آملی نیز از پخش بودن گرد کافور در حرم سخن گفته شده است (رک: طالب آملی، ۱۳۴۶: ۱۶۱). بنابراین حرم مطهر رضوی همیشه مطهر و خوش‌بو بوده است:

کیست یارب در پس این پرده، کز انفاس خوشش می‌برد از چشم‌ها چون بوی پیراهن، غبار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۸)

علاوه بر شمع‌های معطر و یادکردن شمعدان، برای استفاده از عود و کندر و مواد خوش‌بو از وسایلی چون عودسوز، عوددان، گلاب‌پاش، گلابدان، مجمر و... در حرم استفاده می‌شده که در مدایح رضوی این دوره نیز از آن‌ها یاد شده است:

می‌فتد در دست و پای خادمانش آفتاب تا مگر چون عودسوز آنجا تواند یافت بار

(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۷۰)

تزیین و تعطیر حرم مطهر، چهارمین سرفصل از ۲۵ سرفصل کل موقوفات آستان قدس رضوی است که عواید حاصل از آن، طبق نیات واقفان برای نظافت صحن‌های حرم مطهر در فصول مختلف سال، فتیله‌های عنبرسوز، جاروهای حرم مطهر، خرید گلاب و گیاهان معطری مانند عود هندی، کندر، چوب ارسی، سعد کوفی، صندل سفید، علف هندی و ... در ایام خاص تعیین شده است.

کاشی‌کاری و مفروش بودن شبستان‌ها

فرش همواره نقش مهمی در فضای معماری حرم مطهر امام رضا (ع) داشته است، به طوری که از این قالی‌ها برای مفروش کردن شبستان و صحن حرم مطهر رضوی و پرده‌محافظ بر مبادی ورودی استفاده می‌شده و تاکنون نیز کاربری خود را حفظ کرده است. قدیمی‌ترین فرش‌های موجود از حرم رضوی که در موزه فرش آستان قدس نگهداری می‌شود متعلق به دوره صفویه است، ولی پیشینه استفاده از فرش در حرم مطهر رضوی به پیش از دوره صفویه بازمی‌گردد. ابن بطوطه در سال ۷۳۳ ق که از خراسان عبور می‌کند، در سفرنامه خود ضمن توصیف حرم مطهر رضوی به وجود فرش‌هایی اشاره می‌کند که در بقعه رضوی گسترده شده بوده است: «حرم [رضوی] به انواع فرش‌ها مفروش است» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۷۰). در دوره صفوی نیز اهمیت مفروش کردن این مکان مقدس با هدف تأمین آسایش زائرین باعث شد تا خیرین و واقفین نیاتی را برای آن داشته باشند و از محتوای مدایح رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم نیز این امر فهمیده می‌شود:

چون فروش منقش اندر وی گسترانیده بسال روح امین
(طالب آملی، ۱۳۴۶: ۱۶۰)

یا نظیری نیشابوری که از فرش‌های رنگین و پرنقش حرم سخن می‌گوید:

به ذوق‌تر ز کلیم‌ند نقش‌های گلیم نموده جبهه هر خشت صد تجلی را
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۳۸)

در کنار فرش، کاشی‌کاری یکی از هنرهای سنتی ایرانیان بود که در پوشش معماری بناهای مهم به ویژه از دوره صفوی نقشی مهم ایفا کرد. کاشی‌کاری پیشرفت و تکاملی نداشت؛ اما از زمان شاه عباس صفوی تحرک و تحولی در این هنر شکل گرفت و یکی از دلایل آن نیز توجه خاص شاه عباس به پوشش مقابر ائمه اطهار و مساجد، با کاشی‌های زیبای هفت رنگ بود

(رک: تاجبخش، ۱۳۷۸: ۱۲۹). کمپفر نیز در سفرنامه خود به کاشی‌کاری‌های بدیع بقاع متبرکه در دوره صفویه اشاره کرده و می‌نویسد: «دیوارهای داخلی را یا با پارچه‌های قلمکار پوشانده‌اند یا با کاشی‌های معرق که آن را هم با روکش رنگارنگ زیبا آراسته‌اند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۵). کاشی، شاخص‌ترین عنصر تزئینی در معماری حرم مطهر رضوی است، البته آستان قدس رضوی از قرن پنجم، به روایت ابن بطوطه، کاشی‌کاری‌های بدیعی داشت: «.....دیوارهای آن‌ها با کاشی مزین شده است» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۷۰). کاشی‌کاری‌های بدیع حرم مطهر امام هشتم از اشعار دو قرن دهم تا دوازدهم نیز دریافته می‌شود، مثلاً اینکه دیوارهای بارگاه رضوی با کاشی‌ها، درخشان و صاف و برآق پوشیده شده بوده است:

می‌توان خواند از صفای کاشی دیوار او عکس خط سرنوشت خلق را شب‌های تار
(صائب تبریزی، ۱۳۸۹: ۱۳۶۹)

از اشعار اشرف مازندرانی نیز برمی‌آید که شبستان و حرم امام هشتم در دوره صفویه دارای کاشی‌کاری‌های رنگین و منقوش و سقف مرصع و زرین بوده و شاعر آن را مایه حسرت کاخ چینیان که خود مظهر نقش و نگار هستند، می‌دیده است:

می‌کند هر لحظه چینی‌خانه فغفور را رشک کاشی‌کاری چینی‌نمایش سنگسار
گر طلا در بوتۀ زربفت بگدازد رواست خویش رامی‌خواست در حل‌کاری سقش به کار
روزگاری شد که در چرخ است لعل آفتاب تاروپود بهر مرصع‌کاری این در به کار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

از مدایح رضوی دوره صفوی برمی‌آید که صحن حرم رضوی نیز کاشی‌کاری بوده است:
گنبد زرین بود در صحن کاشی‌کاری‌اش همچو سرپوش طلا بر قاب چینی آشکار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

به غیر کاشی، توصیف بزرگی صحن و رفعت بارگاه حرم مطهر نیز از آنجایی که رواق‌های متعددی در این دو قرن به بارگاه رضوی افزوده می‌شود، در مدایح این عهد بازتاب قابل توجهی دارد (رک: حزین لاهیجی، ۱۳۶۴: ۱۶۹، ۱۶۶؛ فغانی، ۱۳۴۰: ۶). طالب آملی نیز بزرگی بارگاه رضوی را رشک عرش برین می‌داند که دیده‌های حور فرش آن است و سپهر با غایت رفعت در برابر آن در غایت عجز قرار می‌گیرد (رک: طالب آملی، ۱۳۴۶: ۱۶۰) و این عظمت به حدی است که دین از آن می‌تراود:

درگه کیست آن رفیع مقام که از او می‌چکد تراوش دین

در گه پادشاه ملک صفا نقد حیدر علی بن موسی
(طالب آملی، ۱۳۴۶: ۱۶۱)

محسن تأثیر تبریزی طی قصیده‌ای با مطلع «حبذا این چه بهشت و چه بناست» (۱۳۷۳: ۷۳)

۱۱

نیز به‌طور کامل به توصیف عظمت مادی و معنوی بارگاه، گنبد و حرم رضوی پرداخته است. بیشترین توصیف ساختمان بارگاه در شعر این دوره دربارهٔ قبه، گنبد، حرم، صحن، شبستان و رواق البته به‌صورت کلی و فقط در حد نام‌بردن است. گاهی نیز به رفعت یا بزرگی آن‌ها اشاراتی شده است. یادکرد زیبایی و عظمت سایر بناهای مجاور حرم چون: مسجد و خیابان‌های مجاور و تعمیر حرم نیز از نکاتی است که در شعر رضوی دورهٔ صفوی به‌ویژه شعر اشرف مازندرانی از آن یاد شده است:

مسجدش کیفیتی دارد که در تعمیر آن خشت را بر سر خم از میخانه آرد پای کار
بس که دلچسب است این خرم‌بنا در فرش آن جای خشت، استاد صنعتگر گذارد دل به کار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۷)

گنبد و محجرهای زرین

حرم مطهر رضوی از گذشته با طلا و نقره اعم از بنا یا وسایل و نذورات و هدایا مزین شده بود و آگاهی‌های تاریخی دربارهٔ آلات سیمین و زرین حرم در دست است. مثلاً ابن بطوطه نوشته است: «در روی قبر، صندوق چوبی است که با صفحات نقره پوشیده شده و قندیل‌های نقره بر آن آویزان است. عتبهٔ در حرم نیز نقره است و بر آن پرده‌ای از حریر مذهب آویخته است» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۷۰). در واقع از چیزهایی که به شکوه و جلالت حرم رضوی می‌افزود و نظر شاعران دو قرن دهم تا دوازدهم را به خود جلب می‌کرد، همین امر بود، چنانکه مؤلف عالم‌آرای صفوی می‌گوید به دستور شاه اسماعیل، حرم رضوی را مفروش کردند و در آن شمعدان‌ها و قندیل‌های طلا قرار دادند (۱۳۶۳: ۲۹۰-۲۹۱). یا شاه طهماسب برای نشان‌دادن شکوه این بارگاه و برای آنکه گنبد از خارج از شهر مشخص باشد، ارتفاع گنبد حرم مطهر امام (رضاع) را بالاتر برد و آن را مطلقاً کرد. به روایت نطنزی، شاه طهماسب، هشتاد من طلا صرف مطلقاً کردن گنبد حرم و میل روی آن کرد (ر.ک: افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۵). از گنبد و قبهٔ طلایی حرم مطهر امام هشتم در بسیاری از مدایح رضوی دو قرن دهم تا دوازدهم یاد شده است (ر.ک: صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۹؛ اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶). همچنین بر فراز گنبد

حرم رضوی در دوره صفوی میل به شکل گوی بوده که شاعران از آن به ماه تعبیر کرده و بلندی آن را ستوده‌اند:

به ماه میل سر گنبدش رجوع کنند جماعتی که پرستیده‌اند شعری را
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۳۹)

در سال ۱۰۰۹ق. شاه عباس صفوی از پایتخت خود در اصفهان، پیاده رهسپار مشهد شد و دستور داد که گنبد مطهر، بار دیگر با خشت‌هایی از مس و روکش طلائی پوشیده شود. بر پایه کتیبه گنبد، این کار در سال ۱۰۱۰ق آغاز شد و در سال ۱۱۱۶ق به پایان رسید (رک: عالم‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۴). در این باره صائب، بیش از همه شاعران دوره صفوی، به زرین‌بودن اسباب و بنای حرم رضوی اشاره و قبه نورانی حرم امام رضا (ع) را چون تخم مرغی روشن و طلائی توصیف کرده است:

تا دم صبح از فروغ قبه زرین او قبه نورانی آن سر در عرش اختیار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۸)

درباره ضریح رضوی در متون کهن معمولاً به اصطلاحاتی چون صندوق، مهد و ضریح اشاره شده است در حالی که این ضریح و صندوق با یکدیگر متفاوتند. در سفرنامه ابن بطوطه از صندوق چوبی بر مزار امام رضا (ع) یاد شده که سطح آن را با صفحات نقره پوشانده بودند (رک: ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۷۰)، اما بنا بر شواهد تاریخی، نصب ضریح به معنای اصطلاحی آن، بر مزار امام رضا (ع) از دوره صفویه آغاز شده است (رک: عالم‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۸). نخستین بار در سال ۹۵۷ق و در زمان طهماسب اول، ضریحی با پیکره چوبی در روضه مطهره نصب شد که شبکه‌های آهنی داشت و البته روی بخشی از آن را با ورقه‌های نقره پوشانده بودند (رک: همان: ۸۹). البته درباره مشخصات این ضریح نیز اخبار متفاوتی وجود دارد. بیشتر نویسندگان جنس ضریح را چوب با تسمه‌های فلزی و پوششی از صفحات طلا و نقره، دانسته‌اند، که با توجه به شعر دوره صفوی نیز این نظر تأیید می‌شود. بعدها و در زمان شاه عباس، روی این ضریح را با ضریحی از جنس فولاد جوهردار پوشاندند (رک: عالم‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۵). صائب که در عهد شاه‌عباس می‌زیست، در یکی از مدایح رضوی خود به طلائی بودن صندوق قبر، که از آن به مهد تعبیر کرده، نیز اشاره کرده است:

ساکن این مهد زرین کیست کز شوق لبش شیر می جوشد ز پستان صبح را بی اختیار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۸)

ترکیب ضریح عباسی تا سال ۱۱۵۶ق به شکل یادشده باقی بود تا اینکه در این سال ضریح مشهور به مرصع نادری (رک: عالم‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۵) با دستور سلیمان دوم، یکی از اعقاب دودمان صفوی که بر مشهد حکومت می‌کرد، داخل این دو ضریح و روی مرقد مطهر نصب شد.

۱۳

همچنین از طلابودن سایر اسباب حرم، از جمله سقف و صندوق حرم که از آن به مهد نیز تعبیر شده، متعدد در مدایح رضوی سخن رفته است:

از سریر خامه افشان طلا گیرد ورق چون قلم در زینت سقفش شود معنی‌نگار
شکل درگاه رفیع و گنبد زرین آن هست سرلوح کتاب صنعت پرودگار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

صائب نیز دربارهٔ محجر و نرده‌های زرین بارگاه امام رضا (ع) می‌گوید:
از محجرهای زرینش که دام رحمت است می‌توان آمرزش جاوید را کردن آشکار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۹)

داشتن گلدسته

گلدسته یا به عربی، مناره، جایی است که از آن اذان گفته می‌شود و کارکردهای اجتماعی دیگری مثلاً به عنوان راهنمای مسافران یا میل نیز داشته است. توجه به واژه مناره به معنی محل نور، نشان می‌دهد کارکرد پرتوافشانی نیز برای این بنا مدنظر بوده است. در قدیم گلدسته‌ها را با فاصله‌ای نزدیک در ورودی می‌ساختند تا مؤذن یا جارچی به روی آن برود و مردم را برای اذان یا دستوره‌های حکومتی باخبر کند. تا قرن ششم حرم مطهر امام رضا (ع)، یک مناره یا گلدسته داشت و یکصد سال بعد از گنبد، گلدسته آن در قرن سوم ساخته شد. بیهقی در ادبیات فارسی، نخستین کسی است که احداث مناره‌ای را برای بارگاه امام هشتم در مشهد به دست سوری معتز، گزارش کرده است (رک: بیهقی، ۱۳۸۴: ج ۲: ۶۳۹). شاه تهماسب صفوی، مناره کنار گنبد حرم مطهر رضوی را مرمت و طلاکاری کرد (رک: عالم‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۸). اشرف مازندرانی در یکی از قصاید خود مناره‌های حرم رضوی را به اندازه‌ای رفیع می‌داند که نردبان و هم به قامت آن نمی‌رسد و ستاره فرقدان از بالای آن به پایین می‌لغزد:

رفعتی دارد که از سودای بالارفتش نردبان و هم در تاب است چون راه منار
فرقدان بر بام راه عالی‌اش می‌نماید همچو عینک بر دماغ سال‌دار!
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

با توجه به ارتفاع ۵۰ متری این گلدسته‌ها، به اشاره برخی مدایح رضوی این دوران، از فراز این گلدسته‌ها، مؤذنان خوش‌آوازی اذان می‌گفته‌اند:

از سر گلدسته‌اش چون نخل ایمن تا سحر بر خداجویان شود برق تجلی آشکار
از نوای عنادلیبان سر گلدسته‌اش قدسیان در وجد و حال آیند از این نیلی حصار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۹)

چنانکه یادشد مناره‌ها کارکردهای مختلفی داشته‌اند و با توجه به اینکه مشهد در دو قرن دهم تا دوازدهم مورد غارت ترکمانان و ازبکان قرار می‌گیرد، اذان‌گویی از فراز گلدسته‌های حرم رضوی به نوعی نشانه امنیت برای ساکنان نیز بوده است (ر.ک: نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۳۸). از همین روست که سیدای نسفی وجود امام هشتم (ع) را در مشهد، مایه ایمنی و امنیت شهر می‌بیند (ر.ک: سیدای نسفی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

وجود قبور مردم در بارگاه رضوی

آموزه‌های اسلامی، تفاوت در جایگاه دفن و برتری برخی جایگاه‌ها را بر برخی دیگر تأیید می‌کند (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ق: ۷۲؛ صدوق، ۱۳۵۴، ج ۱: ۲۹۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۰۰). بر اساس گزارش‌های تاریخی، افراد سرشناس بسیاری در حرم امام هشتم به قصد قربت یا آمرزش دفن شده بودند که بیش از پنج جلد اسامی و نام آن‌هاست (ر.ک: رسولی و دیگران، ۱۳۸۸). کمپفر نیز می‌نویسد: در دوره صفویه «بزرگان و رجال مملکت همه پیش‌بینی‌ها را می‌کنند که پس از مرگ، کالبد آن‌ها را در جوار قبر امام رضا(ع) دفن کنند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۷۸). اینکه ائمه به دلیل برگزیدگی از طرف خدا، شفیع مؤمنان در روز جزا هستند، از باورهایی بود که به دفن بیشتر افراد متنفذ در حرم رضوی کمک کرد و باعث شد که شعرا به بیان سعادت مدفونین در حرم رضوی پردازند:

بر جبین هرکه باشد سگه اخلاص او از لحد بیرون خرامد چون زر کامل عیار
می‌شود همسایه دیوار بر دیوار خلد در جوار روضه او هر که را باشد مزار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۷۰)

شاعران دیگر این دوره نیز در مدایح خود بر وجود قبور مردم در صحن بارگاه رضوی سخن گفته‌اند. مثلاً صیدی تهرانی معتقد است کسی که در حرم رضوی دفن باشد ایام پیری و مرگش خوشتر از ایام جوانی و حیاتش بوده است (ر.ک: صیدی، ۱۳۶۴: ۳۸). اشرف مازندرانی نیز به

کثرت قبور در آستان امام هشتم اشاره دارد و بیان می‌کند مدفونان در آستان رضوی را نه مرده که زنده می‌داند و نتیجه می‌گیرد که احوال زائران بسی بهتر از ایشان است:

در فضای آستانش مرده باشد در حیات زندگان را پس نگه می‌کن چه باشد روزگار...
بس که افتاده است در وی قبر بر بالای قبر هست هر خشتی ز فرشش دفتری تصویردار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

چنانکه از این بیت نیز دریافت می‌شود، تعداد مدفونان در صحن رضوی به اندازه‌ای بوده که شاعر آن را چون دفتری تصویردار توصیف کرده است.

خدمتگزاران بارگاه رضوی

خادمان در دوره‌های تاریخی در بقاع متبرکه و خانقاه‌ها به طور عمده، وظایفی چون: پاکیزگی، پخت غذا، پذیرایی از زائران، روشن کردن شمع و چراغ و خاموش کردن آن‌ها، زینت‌دهی و معطرسازی حرم و ... را بر عهده داشتند. تشکیلات آستان قدس رضوی که از زمان شهادت حضرت رضا (ع) آغاز و در دوره شاه طهماسب صفوی به رسمیت شناخته شد، دارای خدام، فرآش، دربان و حفاظ بود که در پاس‌های مختلف خدمت می‌کردند.

از این چهار خدمت به عنوان قدیمی‌ترین خدمت‌ها در حرم رضوی در متون تاریخی یاد شده است و وقف‌نامه‌های عصر صفوی نیز راتبه و مقرری را برای این کارکنان حرم تعیین کرده بودند. درباره وظایف خادمان در مدایح رضوی دوره صفوی کلی‌گویی شده و اغلب به نظر می‌رسد منظور از خادمان، کلیه طبقات خدمتگزاران مجموعه آستان قدس هستند. مهمترین گروه‌های خدمتگزار در بارگاه رضوی در دوره صفوی که از آنان در مدایح رضوی یاد شده است، با عناوین مرتبط با خادمان، جاروکشان، دربانان، کفشداران، روشن‌کنندگان شمع، سقایان و حافظان قرآن است. هرچند به جاروکشان حرم به طور صریح در مدایح رضوی اشاره‌ای نشده، اما در اشعار بسیاری به خاکی بودن صحن و جاروکش بودن افلاک و ماه و ستارگان در آستان قدس امام هشتم (ع) اشاره رفته است که نشان می‌دهد این طبقه از خدمه نیز در حرم رضوی مشغول به خدمت بوده‌اند (ر.ک: صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۷۲؛ اشرف، ۱۳۷۳: ۱۰۶؛ باباغانی، ۱۳۴۰: ۶؛ اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶ و ۱۰۷؛ شیخ بهایی، ۱۳۶۱: ۱۰۶):

وی به جاروب زرافشان روضه‌ات را خاکروب خسرو زرین‌درفش نوربخش خاوری
(محتشم کاشانی، ۱۳۷۹: ۵۵۹)

همچنین در صورت خاکی بودن صحن و سرای حرم در دوره صفوی بوده که گرد بر روی زائران می‌نشسته است یا اینکه به عنوان تبرک با خود می‌بردند. در این اشعار خاک آستان قدس چون سرمه موجب روشنی چشم دانسته شده است:

می‌گشاید چشم زیر خاک بر روی بهشت هر که از خاک درش با خود برد یک سرمه‌وار
(صائب، ۱۳۸۹: ۲: ۱۳۷۲)

علاوه بر آنچه یاد شد، در شعر رضوی دوره صفوی برمی‌آید برگزاری رسومی چون عید قربان در صحن رضوی و آراستن مرقد و روکش کردن آن با پارچه‌های نفیس و گران‌قیمت نیز از وظایف خادمان بوده است:

خادمان صندوق‌پوش مرقدش را ساختند گر نمی‌بود اطلس گردون ز انجم داغدار
با کمال بی‌نیازی مرقد زرین او می‌کند با دام سیمین مرغ دل‌ها را شکار
(صائب، ۱۳۸۹: ۲: ۱۳۶۹)

اغلب خادمان به قصد قربت در بارگاه رضوی مشغول به خدمت بوده‌اند (ر.ک: محتشم کاشانی، ۱۳۷۹: ۵۵۸) و خدمت در بارگاه رضوی مانند روزگار فعلی، کاملاً افتخاری و اختیاری بوده است:

اختیار خدمت خدایم این در می‌کند هر که می‌خواهد شود مخدوم اهل روزگار
(صائب، ۱۳۸۹: ۲: ۱۳۷۳)

از دیگر خادمان حرم مطهر که از وظایف آن‌ها در شعر دوره صفوی یاد شده است، دربانان و کفشداران است. در شعر فغانی چند بار از صف نعال بارگاه رضوی و امام رضا (ع) سخن رفته است (ر.ک: بابافغانی، ۱۳۴۰: ۳۴، ۳۸، ۴۸). از وجود این نوع خادمان به صورت ادبی در مدایح رضوی سخن به میان آمده و مثلاً گفته شده رضوان، خازن بهشت، اگر بداند او را کفشدار حرم رضوی می‌کنند، دربانی بهشت را رها خواهد کرد:

از سر دربانی فردوس، رضوان بگذرد گر بداند می‌کنندش کفشدار این مزار
(بابافغانی، ۱۳۴۰: ۱۳۷۰)

به‌طور کلی، یادکرد خادمان آستان قدس رضوی در شعر دوره صفوی به شرح زیر آمده است:

سَقَّایان

سَقَّا به معنی آبکش یا کسی است که شغل او آب‌دادن یا آب‌فروختن به تشنگان است. در مجموعه حرم رضوی، کسانی به نام سَقَّا وظیفه تأمین آب مورد نیاز زائران در سقاخانه و دیگر

قسمت‌های حرم را بر عهده داشتند و متولی آن سقّاباشی نامیده می‌شد. وی وظیفه داشت هزینه سالانه سقّاخانه نظیر: تهیه یخ را برآورد کند و به اطلاع ناظر و متولی برساند. در اسناد دوره صفویه، سقّایان حرم مطهر ظاهراً طبقات مختلفی داشته‌اند: سقّایان آب‌پاش صحن که به نظر می‌رسد کار شست‌وشوی صحن را انجام می‌دادند و سقّایان سرطاس. سرطاس نوعی ظرف برای آب بوده و گروه سوم، سقّایان راویه‌کش بوده‌اند که مشک‌های آب را حمل می‌کرده‌اند (رک: اخوان مهدوی و نقدی، ۱۳۹۶: ۱۲۸). شغل سقّایی مختص سقّاخانه نبود؛ آنان غیر از تأمین آب، وظایف دیگری مثل: و تأمین روشنایی و تطهیر حرم مطهر، نظافت حوض صحن عتیق و انجام خدمات در مراسم تعزیه‌خوانی را بر عهده داشتند (رک: اخوان مهدوی و نقدی، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

سقّاخانه نیز به محلی گفته می‌شود که ظرف بزرگ یا منبعی در آن‌جا ساخته و در آن آب می‌ریزند تا تشنگان در آن‌جا آب بیاشامند. سقّاخانه حرم مطهر در صحن عتیق بین سال‌های ۱۱۴۴ تا ۱۱۴۵ ق در دوره نادرشاه افشار ساخته شد. پیش از آن از دوره تیموریان، در صحن کهنه حرم مطهر رضوی، نهری جاری بود که آب آن از شش فرسنگی، از جایی به نام چشمه گلاسب یا گیلان در شمال مشهد سرچشمه می‌گرفت و پس از طی مسافتی وارد شهر می‌شد. آب این نهر پس از عبور از بالاخیابان وارد صحن کهنه شده و از آنجا نیز از پایین‌خیابان می‌گذشت و در بیرون شهر و برای مصارف مزارع کشاورزی استفاده قرار می‌شد. چهارپایانی چون قاطر، که دربانان آستان قدس، آن‌ها را با آینه و شال ترمه زینت می‌دادند، آب را از سناباد به حرم، حمل می‌کردند. آب‌هایی که حمل می‌شد، داخل حوض‌های حرم ریخته می‌شد تا به مصرف زائران برسد. آبرسانی به حرم مطهر و لایروبی نهر خیابان که آب حرم از آن تأمین می‌شد، در دوره شاه عباس انجام شد (رک: همان: ۱۲۶-۱۳۰؛ نوایی، ۱۳۶۸: ۴۳۶؛ اعتمادالتولیه، ۱۳۷۹: ۴۵).

در شعر رضوی دو قرن دهم تا دوازدهم نیز به وجود سقّایان در حرم با جان‌بخشی به اشیاء و یادکردن از آنان به عنوان خدمتگزار و سقا اشاره شده است؛ مثلاً صدف، به سقّایی در حرم رضوی تشبیه شده است که در پیمانۀ خود، مروارید آبدار دارد:

صدف پر کرده از آب گهر پیمانۀ خود را به گرد روضه‌ات هر روز می‌آید به سقّایی
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۷۳)

صائب نیز با توجه به رابطه بین خضر و آب حیات، حضرت خضر را سقّای حرم امام رضا (ع) معرفی می‌کند (ر.ک: صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۷۰). اشرف مازندرانی نیز ابر را سقّای این حرم می‌داند و با اغراقی لطیف می‌گوید به اندازه‌ای ابر از دریاها برای سقّایی حرم مطهر رضوی آب برده که بیم آن است که دیگر دریاها گُر نباشند:

بهر سقّایی صحنش ابر از بس برده آب نیست چندان دور از گُریت افتد گر بحار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

روایت خاصی مبنی بر تقدّس سقّاخانه حرم امام رضا (ع) وجود ندارد، اما از جهت نسبت با حرم، زائران بارگاه امام هشتم از آب آن به به عنوان تبرک و شفا استفاده می‌کردند. برخی نیز برای رسیدن به حاجات خود شمع نذر و در اطراف سقّاخانه روشن می‌کردند.

حفاظ و قاریان

از گذشته تا کنون قرائت قرآن بر سر قبور مسلمانان رایج و ثواب بوده است و برای این کار قاریان معمولاً هم در در بقاع متبرکه و هم در گورستان‌ها حاضر بوده‌اند. یکی دیگر از کیفیات حرم رضوی که در شعر دوره صفوی به آن اشاره شد، تلاوت قرآن و ادعیه و حضور قاریان در صحن و حرم است. کمپفر در این زمینه می‌نویسد: «مزد حفاظ از محل میراث ثروتمندانی تأمین می‌شود که در زمان حیات خود و یا به عنوان آخرین وصیت چنین مقرر داشته‌اند. کار قرائت قرآن در مقابل کمتر بر عهده یک نفر واگذار می‌شود. اغلب چندین نفر که هر چند ساعت به نوبت قرآن تلاوت می‌کنند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۳).

خواندن دعا و قرآن و هدیه ثواب آن به صاحب مزار از آداب زیارات مضاجع شریفه بوده است. چنانکه از اشعار این دوره برمی‌آید حافظان بسیار خوش‌آواز و محزون، قرآن را در حرم تلاوت می‌کرده‌اند به گونه‌ای که با اغراق شاعرانه گفته شده بلبل با وجود موصوف بودن به خوش‌آوازی با شنیدن صدای قرائت اینان از حسادت یا اشتیاق، آتش می‌گرفته است:

حفاظ روضه تو چو آواز برکشند بلبل شود به شعله آواز خود کباب
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۷۳)

اشرف مازندرانی نیز در این زمینه با اغراق شاعرانه‌ای معتقد است که قاریان حرم رضوی به اندازه‌ای قرآن را زیبا قرائت می‌کنند که جبرئیل بار دیگر آن را به آسمان می‌برد:

لهجه قدسی نوای قاریان این حریم بس که می‌افتد قبول حضرت پرودگار
آنچه نازل کرده جبرئیل امین یک مرتبه می‌برد بالا به جای خویش روزی چند بار

(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۰۷)

بررسی قرآن‌های به جا مانده از دو قرن دهم تا دوازدهم در موزه آستان قدس رضوی نیز نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی قرآن نفیس در این دوران در حرم مطهر وجود داشته، البته نگه‌داشتن قرآن در امامزادگان مرسوم بوده است: «بر روی گور چند جلد قرآن است با جلدهای سبزرنگ، اما در سایر بقاع، قرآن‌ها را در طاقچه‌ها یا رحل‌های مخصوص آن نگاه می‌دارند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۵). شاعران این دوره نیز به وجود مصاحف خوش‌نقش و نگار و وجود قرآن در حرم مطهر اشاراتی داشته‌اند:

می‌توان خواند از جبین رحل مصحف‌های او رازهای غیب را چون لوح محفوظ آشکار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۶۹)

بخش از بنای تاریخی بارگاه رضوی نیز رواق دارالحفاظ است که چنانکه از نامش پیداست این بنا از قدیم محل تجمع حافظان قرآن و انجام مراسم خاص تلاوت کلام خدا و خطبه مخصوص حفظ آستان قدس رضوی بود که برای انجام مراسم صقه، قرآن مجید و ۱۲ بند خواجه‌نصیر را هر روز در دو نوبت صبح و شام، قرائت می‌کردند (رک: عالم‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۲). از مدایح رضوی دوره صفوی همچنین برمی‌آید که ختم و قرائت قرآن توسط قاریان به صورت مداوم و مستمر در حرم رضوی انجام می‌شده است:

بس که قرآن در حریم او تلاوت می‌کنند صفحه بال ملائک می‌شود قرآن‌نگار
(همان: ۱۳۷۳)

دربانان و حاجبان

طبقه دیگر خدام که در اشعار دوره صفوی از آنان یاد شده، دربانان، حاجبان، محافظان و پاسبانان حرم بوده‌اند. شعرا از این گروه با شرافت و ارج دادن به حرم رضوی یادکرده و ضمن اشاره به اخلاق خوب ایشان، پاسبانی حرم را آرزوی بزرگان و شاهان عالم دانسته‌اند:

در ناصیه حاجب و دربان تو چین نیست اینجا همه بار است، چه خاقان و چه خان را
(باباغانی، ۱۳۴۰: ۳)

در واقع شاعر این دوره می‌گویند که در بارگاه رضوی، خلاف سایر شاهان به روی همه باز است و فرقی بین بزرگ و کوچک نیست. همچنین شاعر با اغراق می‌گوید به اندازه‌ای دربانی این بارگاه رفیع است که شاهان با آن عظمت و بزرگی، فقط می‌توانند پای دربانان را با افتخار بوسند:

کسی کز روی عزت آستان بوسند شاهانش به سرآید در این کعبه که بوسد پای دربان را
(بابافغانی، ۱۳۴۰: ۶)

در باور گذشتگان سیاره زحل، نماد جنگاوری و پاسبانی است. در برخی مدایح رضوی از وجود پاسبانان حرم رضوی با اغراق ادبی یاد شده، مثلاً کیوان ستاره جنگاور و پاسدار فلک، دربان امام هشتم، دانسته یا گفته شده پاسداری این مکان آرزوی پاسبان فلک است یا اینکه کمترین پاسبان حرم رضوی، سیاره زحل است:

پیش ایوانت زحل دارد ز هفتم آسمان آرزوی اینکه باشد یک غلام پاسبان
(فهمی استرآبادی، ۱۳۸۹: ۲۲)

از دیگر بخش‌های حرم رضوی که در شعر دوره صفوی از آن یاد شده، بست‌های حرم مطهر است که فقط در اشعار بابافغانی شیرازی و اشرف مازندرانی آمده است و بسامد چندانی ندارد. بست‌نشستن یکی از رسوم اجتماعی دوره صفویه و به معنی پناه بردن است. بست معمولاً بخشی از اماکن مقدسه و بقاع متبرکه چون خانه خدا، حرم رسول، مقبره امامان و امامزادگان و در خانه شاهان و مردمان بزرگ بود که گنهکاران و عاصیان به آنجا پناه می‌بردند تا از تعقیب در امان بمانند و ضابطین قضا نیز طبق عادت نمی‌توانستند آنان را بیرون بکشند. معمولاً در جلوی محوطه بست، زنجیر کشیده بودند که زنجیر بست نامیده می‌شد و گنهکاران در آن محل پناه می‌گرفتند و راه مخالفین بر او بسته می‌شد. شکستن بست، گناهی نابخشودنی به شمار می‌آمد (رک: تسلیم، ۱۴۰۱: ۲۴۷).

نتیجه‌گیری

با به قدرت رسیدن سلسله صفویه، مذهب رسمی کشور به مذهب شیعه تغییر یافت و شاهان این سلسله، شاعران را از مدح خود منع و به مدح اهل بیت (ع) ترغیب کردند. به این ترتیب شعر فارسی به مسیر دیگری افتاد و منقبت و مدیحه‌سرایی مذهبی رونق یافت. در این دوره منقبت‌سرایان و شاعران بسیاری وجود داشتند که در اشعارشان مدایح رضوی به چشم می‌خورد که از برجسته‌ترین آن‌ها به صائب تبریزی، محتشم کاشانی، بابافغانی شیرازی، طالب آملی، حزین لاهیجی، نظیری نیشابوری و... می‌توان اشاره کرد.

با توجه به سیاست مذهبی صفویه برای بزرگداشت شعائر مذهبی تشیع، ابنیه جدید به حرم از دوره صفویان به‌ویژه روزگار شاه تهماسب صفوی افزوده و ساخته شد. صفویان همچنین شعرا به سرایش اشعار مذهبی برای ائمه شیعه دعوت می‌کردند و از این رو یکی از مضامین شعر در

دو قرن دهم تا دوازدهم، مضامین مذهبی و ترویج تشیع و مدح ائمه شیعه است. در مدایح بیشتر به صنایع ادبی و محتوای مدح و ستایش و منقبت توجه شده است، اما شعر رضوی دو قرن دهم تا دوازدهم پاره‌ای از فواید اجتماعی مربوط به زیارت، زائران و کیفیت حرم رضوی را در دوره صفوی، گزارش داده است که با توجه به نتایج این تحقیق با واقعیت حرم در دوره صفوی تطابق دارد. سرایش مدایح و مناقب رضوی به دنبال سیاست مذهبی صفویه قرار دادن حرم امام هشتم (ع) برای مرجعیت شیعه در برابر رقبای سنی مذهبی چون ازبکان و عثمانیان نضج گرفت و از این رو وصف حرم مطهر در شعر این دوره بازتاب بالایی دارد. این توصیفات اگرچه کلی و بیانگر ارادت شاعران به آستان قدس رضوی هستند، اما جزئیات برخی آداب و رسوم زیارت در آن دوره و زائران را از میان آن‌ها می‌توان دریافت که علاوه بر تطابق تاریخی با وضعیت بنای حال حاضر نیز قابل مقایسه است. مهمترین عناصری که حرم رضوی علاوه بر وصف شکوه و عظمت آستان که در مدایح رضوی به توصیف آن پرداخته شده است؛ نورانی بودن و خوش‌بویی حرم مطهر، یادکرد فضای مادی حرم مطهر چون: گنبد و گلدسته، قبه و بارگاه، رواق، صحن و اشاره به مفروش بودن، کاشی‌کاری و مطلا بودن آن‌هاست. وجود قبور مردم در صحن و شبستان حرم مطهر و ذکر انواع خدمات‌ها در حرم رضوی از دیگر نکاتی است که در شعر این دوره از آن سخن رفته است. مهمترین و بیشترین کیفیتی که تقریباً در اغلب مدایح رضوی این دوره به چشم می‌خورد، اشاره به روشنی حرم به وسیله چراغ‌ها و شمع‌دان‌ها و البته خوش‌بویی حرم مطهر است. بیشترین توصیف ساختمان بارگاه در مدایح رضوی این عهد به ترتیب درباره قبه، گنبد، حرم، صحن و شبستان‌ها است.

همچنین مدایح رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم اطلاعاتی نیز درباره خدمتگزاران حرم رضوی چون: خادمان، حفاظ و قاریان، دربانان، جاروکشان و سقایان حرم در اختیار می‌گذارد که بیانگر وجود این خدمات در آن دوره نیز است. بیشترین وصف از بناهای حرم رضوی در شعر صائب و اشرف مازندرانی دیده می‌شود. از نظر طرح شعری، غالب اشعار رضوی این دوره یکسانند و تنوع کمتری در مضامین آن‌ها دیده می‌شود. مدایح رضوی با غنا بخشیدن به محتوای پیشین ادبیات فارسی، مضامین جدیدی را نیز به گنجینه زبان و ادبیات فارسی افزوده است.

منابع

کتاب‌ها

- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد (۱۳۷۶) *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، ۲ جلد، تهران: انتشارات آگه.
- اخوان مهدوی، علی؛ نقدی، رضا (۱۳۹۶) *آئین‌های حرم مطهر رضوی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اشرف مازندرانی، محمدسعید (۱۳۵۰) *دیوان اشعار اشرف مازندرانی*، به تصحیح دکتر سید محمد سیدان، تهران: انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- اعتمادالتولیه، محمدشفیع (۱۳۷۹) *صورت موقوفات ارض قدس*، مشهد: مرکز خراسان‌شناسی.
- افوشته‌ای نطنزی، محمد بن هدایت‌الله (۱۳۸۳) *نقاوة‌الآثار*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
- باباافغانی شیرازی (۱۳۴۰) *دیوان اشعار باباافغانی شیرازی*، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
- بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۵۴) *علل الشرائع*، جلد ۱، تهران: مکتبه الداوری.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله (۱۳۹۱) *عوامل‌العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال (بخش معجزات و فضایل)*، ترجمه محسن احمدی، جلد ۲۲، مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع).
- برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق) *المحاسن*، جلد ۱، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (شیخ بهایی) (۱۳۶۱) *دیوان کامل شیخ بهایی*، به کوشش سعید نفیسی، تهران: چکامه.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۷۴) *تاریخ بیهقی*، مصحح خلیل خطیب رهبر، جلد ۲، تهران: مهتاب.
- تأثیری تبریزی، محسن (۱۳۷۳) *دیوان اشعار محسن تأثیری تبریزی*، به تصحیح امین پاشا جلالی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

تاجبخش، احمد (۱۳۷۸) تاریخ صفویه (هنر و صنعت، ادبیات، علوم، سازمان‌ها)، جلد ۲، شیراز: نوید شیراز.

ترکمان، اسکندریگ (۱۳۷۷) تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، امیرکبیر.

جوایای تبریزی، دارابیگ (۱۳۳۷) کلیات جوایای تبریزی، به اهتمام دکتر محمد باقر، بی‌جا: دانشگاه لاهوری.

حزین لاهیجی، محمدبن علی (۱۳۶۲) دیوان اشعار حزین لاهیجی، با تصحیح و مقابله و مقدمه بیژن ترقی، ۲ جلد، تهران: خیام.

حسینی، خورشاه (۱۳۷۹) تاریخ ایلیچی نظام‌شاه، تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هاندا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

دورکیم، امیل (۱۳۷۳) قواعد و روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.

رسولی، محمود و دیگران (۱۳۸۸) مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ۵ ج، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

سیدای نسفی، میرعابد (۱۳۸۲) دیوان اشعار سیدای نسفی، با تصحیح و تعلیق حسن رهبری، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی؛ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

صائب تبریزی، محمد علی (۱۳۸۹) دیوان صائب تبریزی، ۲ جلد، مقدمه علامه شبلی نعمانی، تهران: علمی فرهنگی.

صدرحاج سید جوادی، احمد (۱۳۸۰) دایرةالمعارف تشیع، جلد ۱، تهران: حکمت؛ شهید سعید محبی.

صفا، ذبیح الله (۱۳۸۲) تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۴، تهران: فردوس.

صیدی طهرانی، میرعلی (۱۳۶۴) دیوان اشعار صیدی طهرانی، به کوشش محمد قهرمان، تهران: اطلاعات.

طالب آملی، محمد (۱۳۶۴) دیوان اشعار طالب آملی، به اهتمام و تصحیح شهاب طاهری، تهران: سنایی.

عالم‌زاده، بزرگ (۱۳۹۴) حرم رضوی به روایت تاریخ، تهران: به‌نشر.

فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان (۱۳۴۱) دیوان اشعار حکیم فضولی بغدادی، تصحیح حسبیه مازی اوغلی، ترکیه: بی‌نا.

فهمی استرآبادی (۱۳۸۹) *دیوان فهمی استرآبادی*، به تصحیح محمدحسین کرمی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

قصاب کاشانی، سعید (۱۳۳۸) *دیوان اشعار قصاب کاشانی*، به تصحیح ح. پرتو بیضایی، تهران: کتابخانه ابن سینا.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵) *کافی*، جلد ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳) *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۰) *سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۰) *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، ۴۴ جلد، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

محتشم کاشانی، علی بن احمد (۱۳۷۹) *دیوان اشعار محتشم کاشانی*، با تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، تهران: نگاه.

مولوی، عبدالحمید (۱۳۵۳) *پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی*، ۷ جلد، مشهد: (نسخه تایپی ثبت شده در اداره مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره عمومی از شماره: ۵۸۵۰۱ تا ۵۸۵۱۰).

نظیری نیشابوری، محمدحسین (۱۳۷۹) *دیوان نظیری نیشابوری*، به تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: نگاه.

نقدی، رضا (۱۳۹۹) *تاریخ و تشکیلات آستان قدس رضوی در عصر قاجار*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸) *نادرشاه و بازماندگانش*، تهران: نشر زرین.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۸) *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ۱۵ جلد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

واعظ قزوینی، محمد رفیع (۱۳۵۹) *دیوان اشعار واعظ قزوینی*، دکتر سیدحسن سادات ناصری، تهران: علی‌اکبر علمی.

مقالات

آسرایی، مریم، مهرکی، ایرج، دانشگر، آذر. (۱۴۰۱). بررسی آئین‌های مذهبی شیعه و عوامل مؤثر بر گسترش آن در عصر صفویه با تکیه بر شعر صائب تبریزی. *تفسیر و*

تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۴(۵۲)، ۲۵-۱.

Doi: 10.30495/dk.2022.1949359.2404

تسلیم جهرمی، فاطمه. (۱۴۰۱). آیین‌های زیارت حرم رضوی و احوال زائران در مدایح

رضوی در دوره صفوی. فرهنگ و ادبیات عامه، ۱۰(۴۴)، ۱۴۰۱، ۲۵۰-۲۱۷. Doi: 10.13

921/CFL.10.44.217

خانی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۱). معرفی یکی از موقوفات آستان قدس، موقوفات عتیقی. پژوهشنامه

مطالعات آرشیوی، ۱(۱)، ۹۷-۱۵۰.

دریکوند، رضا، خاکرند، شکرالله. (۱۳۹۹). جایگاه بارگاه رضوی در منازعات سیاسی مذهبی

میان صفویان و ازبکان در عصراول حکومت صفوی. فرهنگ رضوی، ۸(۳۱)، ۵۳-۳۱.

Doi: 10.22034/FARZV.2020.120008

طلایی، زهرا. (۱۳۹۷). سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا

(ع). پژوهش‌های تاریخی، ۱۰(۳۷)، ۱۵۲-۱۲۹. Doi: 10.22108/jhr.2017.83579

محدثی، جواد. (۱۳۸۶). آداب زیارت. فرهنگ کوثر، ۱۰(۸۱)، ۷۱-۷۶.

مطهری، حمیدرضا، نجفی‌نژاد، سعید. (۱۳۹۸). جایگاه حرم مطهر رضوی در سیاست مذهبی

صفویان. فرهنگ رضوی، ۷(۲۶)، ۳۵-۹. doi: 10.22034/farzv.2019.91394

همایون، محمدهادی، فروزان، حامد. (۱۳۸۸). تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در

جمهوری اسلامی ایران. دین و ارتباطات، ۱۶(۳۵)، ۹۲-۶۳. Doi: 10.30497 /RC.2010.1401

References

Books

Afushtei Natanzi, Muhammad bin Hidayatullah (2013) *Naqawat al-Athar*, By Ehsan Eshraghi, Tehran: University of Tehran.

Ahmad Birjandi, Ahmad, Naqvizadeh, Ali (1986) *Praises of Razavi (PBUH) in Persian poetry*, Mashhad: Astan Qods Razavi, Foundation for Islamic Studies.

Akhwan Mahdavi, Ali; Naqdi, Reza (2016) *Rituals of the Holy Shrine of Razavi*, Mashhad: Islamic Research Foundation.

Alamzadeh, Bozor (2014) *Razavi shrine according to history*, Tehran: Behnasher.

Ashraf Mazandarani, Mohammad Saeed (1971) *Divan of Ashraf Mazandarani's poems*, edited by Dr. Seyed Mohammad Seyedan, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Yazdi Endowment Publications.

Babafghani Shirazi (1961) *Divan of Bab-Afghani Shirazi poems*, edited by Ahmad Soheili Khansari, Tehran: Iqbal.

Babouye Qomi, Abu Jaafar Mohammad bin Ali (Sheikh Sadouq) (1975) *Elallol Sharia*, Vol. 1, Tehran: Al-Davari School.

Baha' al-Din Muhammad bin Hossein Ameli (Sheikh Baha'i) (1982) *Diwan Kamel of Sheikh Baha'i*, edited by Saeed Nafisi, Tehran: Chekame.

Bahrani, Abdullah bin Nurallah (2012) *Awalm al-Alum va al-ma'arf va al-ahwal from verses and news and sayings (Miracles and Virtues section)*, translated by Mohsen Ahmadi, volume 22, Mashhad: Imam Reza Cultural Foundation (A.S.).

Barqi, Abu Ja'far Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1951) *Al-Mahasen*, vol. 1, Qom: Darul-Kitab al-Islamiya.

Beyhaqi, Mohammad bin Hossein (1995) *History of Beyhaqi*, revised by Khalil Khatib Rahbar, vol. 2, Tehran: Mehtab.

Brown, Edward (1996) *History of Iranian Literature; From Safavid to the present era*, translated by Bahram Moqdadi, Tahshiye and Taaliq of Ziauddin Sajjadi, Abdul Hossein Nawai, 4 volumes, Tehran: Marwarid.

Durkheim, Emil (1994) *Rules and Method of Sociology*, translated by Ali Mohammad Kardan, Tehran: University of Tehran.

Etimad al-Tuliah, Mohammad Shafi' (2000) *The form of endowments of Ard Quds*, Mashhad: Khorasan Studies Center.

Fahmi Estrabadi (2008) *Diwan Fahmi Estrabadi*, edited by Mohammad Hossein Karmi, Tehran: Written Heritage Research Center.

Fozuli Baghdadi, Muhammad bin Suleiman (1962) *Divan of poems by Hakim Fozuli Baghdadi*, edited by Hasbiyeh Mazi Oghli, Turkey: No publisher.

Ghassab Kashani, Saeed (1959) *Divan of Ghassab Kashani's poems*, edited by H. Parto Baizaei, Tehran: Ibn Sina Library.

Hazin Lahiji, Mohammad Bin-Ali (1983) *The Book of Hazin Lahiji's Poems*, with correction, introduction and introduction by Bijan Targhee, two volumes, Tehran: Khayyam.

Hosseini, Khorshah (2000) *History of Ilchi Nizamshah*, edited by Mohammad Reza Nasiri and Koichi Handa, Tehran: Association of Cultural Heritage and Honors.

Ibn Battuta, Abu Abdallah Muhammad (1997) *Ibn Battuta's travel book*, translated by Dr. Mohammad Ali Mohad, 2 volumes, Tehran: Ageh Publications.

Joyai Tabrizi, Darabeg (1958) *The generalities of Joyai Tabrizi*, by Dr. Mohammad Baqer, bibliography: Lahori University.

Kaempfer, Engelbert (1984) *Kaempfer's travelogue*, translated by Kikavos Jahandari, third edition, Tehran: Kharazmi.

Kolaini, Muhammad bin Yaqub (1986) *Kafi*, vol. 1, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.

Majlesi, Mohammad Baqer (2001) *Baharalanwar al-Jamaa leder Akhbar al-Ama al-Athar*, 44 volumes, Beirut, Dar al-Taarif for publications.

Mohsin-e-Tabrizi, Mohsen (1994) *The Diwan of Poems of Mohsen-e-Tabrizi*, edited by Amin Pasha Jalali, Tehran: University Publishing Center.

Mohtsham Kashani, Ali bin Ahmed (2000) *Diwan of Poems of Mohtsham Kashani*, edited and introduced by Akbar Behdarvand, Tehran: Negah.

Mojahedi, Mohammad Ali (2010) *The Image of the Promised Mahdi in the Mirror of Persian Poetry*, Qom: Jamkaran Holy Mosque Publications.

Molavi, Abdul Hamid (1974) *draft list of endowments of Astan Quds Razavi*, 7th volume, Mashhad: (Typescript registered in the Manuscripts Department of Astan Quds Razavi Library with public number from 58501 to 58510).

Naqdi, Reza (2019) *History and organization of Astan Quds Razavi in the Qajar era*, Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.

Navaei, Abdul Hossein (1982) *Nader Shah and his survivors*, Tehran: Zarrin Publishing.

Naziri Neishabouri, Mohammad Hossein (1961) *Diwan of Naziri Neishabouri's Poems*, edited by Dr. Mazhere Mosfa, Tehran, Amirkabir: Zovar.

Noori, Hussain bin Mohammad Taqi (1989) *Mustdrak al-Usa'il and Mustanbat al-Masa'il*; Volume 15, Qom: Al-Al-Bayt Alaihim Al-Salam Foundation.

Rasouli, Mahmoud and others (2008) *Famous people buried in the Razavi Shrine*, 5 vols., Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.

Sadrhajsaid Javadi, Ahmad (2000) *Shia Encyclopaedia*, Volume 1, Tehran: Hikmat; Martyr Saeed Mohebi.

Saeb Tabrizi, Mohammad Ali (2009) *Diwan Saeb Tabrizi*, 2 volumes, introduction by Allameh Shibli Nomani, Tehran: Scientific and Cultural.

Safa, Zabihullah (1987) *History of Literature in Iran*, Volume 4, Part I, Tehran: Ferdous.

Saidi Tehrani, Mir Ali (1985) *Saydi Tehrani's Diwan of Poems*, edited by Mohammad Kahraman, Tehran: Information.

Seydai Nasfi, Mir Abad (2012) *Divan of Seydai Nasfi's poems*, edited and revised by Hasan Derfi, Tehran: Al-Hadi International Publications; Astan Quds Razavi Printing and Publications.

Shapur Tehrani, Arjasab bin Khawajgi (2003) *Diwan of Shapur Tehrani's Poems*, edited and researched by Dr. Yahya Kardegar, Library, Tehran: National Islamic Council Museum and Documents Center.

Tajbakhsh, Ahmad (1999) *Safavid History (Arts and Crafts, Literature, Sciences, Organizations)*, Volume 2, Shiraz: Navid Shiraz.

Talib Amoli, Mohammad (1985) *Diwan of Poems of Talib Amoli*, edited by Shahab Taheri, Tehran: Sanai.

Toghyani, Ishaq (2006) *Shia thought and poetry of the Safavid era*, Isfahan: University of Isfahan; Art Academy of the Islamic Republic of Iran.

Turkman, Skanderbeg (1998) *History of the Abbasid worlds*, Tehran, Amirkabir.

Articles

Asraei, M., Mehraki, I., Daneshgar, A. (2022). Study of Shia religions and the factors affecting its spread in the Safavid era based on the poetry of Saeb Tabrizi. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 14(52), 1-25. Doi:10.30495/dk.2022.1949359.2404.

Derikvandi, R., Khakrand, S. (2020). The Position of the Raḍavī Court in the Religious-Political Conflicts between the Şafavīds and the Uzbeks in the First Era of the Şafavīd Rule (907 - 1038 AH). *Razavi Culture*, 8(31), 31-53. Doi:10.22034/farzv.2020.120008

Homayoun, M. H, Forozan, H. (2008). Explaining the optimal relationship between government and culture in the Islamic Republic of Iran. *Religion and Communication*, 16(35), 63-92. Doi: 10.30497/RC.201 0.1401

Khanizadeh, M. (2019). Introduction of one of the endowments of Astan Quds, ancient endowments. *Archival Studies*, 1(1), 150-97.

Motahari, H. R., & Najafinejad, S. (2019). Raḍavī Shrine Position in Safavid Religious policy. *Razavi Culture*, 7(26), 9-35. Doi:10.22034/farzv.2019. 91394.

Muhaddi, j. (2008). Pilgrimage Etiquette. *Kausar Farhang*, 10(81), 71-76.

Talae, Z. (2018). Religious Policies of the Safavids and its Outcome in the Development of the Endowments of the Holy Shrine of Imam Reza. *Historical Researches*, 10(1), 129-152. Doi:10.22108/jhr.2017.83579.

Taslim Jahormi, F. (2022). The Reflection of Pilgrimage Rituals and the Condition of Pilgrims in the Razavi Praises of the Safavid Period. *CFL*, 10(44) , 217-250. Doi:10.13921/CFL.10.44.217.

Description of the shrine and servants of the eighth Imam (pbuh) in Razavi praises of the Safavid period

Dr. Fatemeh Taslim Jahromi¹

Abstract

Persian poems are important from a cultural and sociological point of view, along with literary influence and message delivery. Due to the formalization of Shia religion from the Safavid period, this government took advantage of the existence of the Razavi court in Iran to expand its religious policies and encouraged poets to write religious praises. The poets of this period, in addition to praising the eighth Imam(pbuh), have also reflected the social situation, buildings and customs of the time, which is important from the point of view of the history of the development of Shia in Persian literature. In Razavi's praises during the Safavid period, some qualities of the shrine of the eighth Imam(pbuh) are mentioned, such as: tiling, perfumes, lighting of the shrine, various services of the shrine of Razavi, etc., which are in accordance with historical documents. Among them, the most content of Razavi's praises is about the brightness and fragrance of the Holy Shrine, which is completely consistent with the intention of the founders and the number of Razavi's dedication letters to allocate these two things in the 10th to 12th centuries. The quality of the pilgrimage and the description of the pilgrims and the shrine of Razavi during this period are reflected in the praises of Razavi by Saeb Tabrizi and Ashraf Mazandarani. In spite of these references, the poets of this period paid more attention to generalities along with imagination and imagery in composing these poems, and there are less detailed descriptions about Razavi's shrine in their poems.

Keywords: Ritual poetry, Razavi Shrine, Razavi Madayeh, Safavid.

¹ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jahrom University, Jahrom, Iran. taslim@jahromu.ac.ir